قاتل: می‌خواستم بترسانمش

آرمین بینا

یک نگاه و مشاجره‌ای خیابانی، به جنایتی خونین ختم شد و پسر ۲۱ ساله‌ای جانش را از دست داد. متهم ۲۷ ساله که با چاقوی یادگاری دوستش وارد درگیری شده‌بود، با ضربه چاقو مرتکب قتل شد و پس از فرار، چند روز بعد در مخفیگاهش دستگیر شد. او در اعترافاتش مدعی است قصد قتل نداشته و فقط می‌خواسته مقتول را بترساند.

اواخر مهرماه امسال، مأموران پلیس تهران از وقوع درگیری خونینی در یکی از خیابان‌های جنوبی پایتخت باخبر شدند و برای بررسی موضوع به محل رفتند. بررسی‌های اولیه نشان داد لحظاتی قبل درگیری بین پدر و پسری با دو مرد جوان رخ داده که در جریان آن پسر ۲۱ ساله خانواده به شدت زخمی و برای درمان به بیمارستان منتقل شده‌است. به این ترتیب، مأموران راهی بیمارستان شدند، اما پزشکان خبر تلخی به آنها دادند. پسر جوان به نام شایان بر اثر شدت جراحات ناشی از اصابت ضربه چاقو جان باخته بود. با تأیید خبر قتل، موضوع به بازپرس جنایی اعلام شد و تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تحقیقات خود را برای شناسایی عامل یا عاملان جنایت آغاز کردند.

قتل به هواخواهی از پدر

بررسی‌های اولیه نشان داد شایان در حمایت از پدرش وارد درگیری شده و جانش را از دست داده‌است. تحقیقات در این‌باره حکایت از آن داشت که پدر مقتول هنگام بازگشت از محل کار به خانه با چند مرد جوان روبه‌رو شده و میان آنها مشاجره‌ای شکل گرفته‌است. مرد میانسال پس از این ماجرا، موضوع را به پسرش اطلاع داده و شایان نیز بلافاصله خود را به محل رسانده‌است.

با حضور پسر جوان، درگیری شدت گرفته و در جریان آن یکی از آنها با ضربه چاقو او را هدف قرار داده‌است.

دستگیری قاتل فراری

کارآگاهان در ادامه تحقیقات با بررسی اظهارات شاهدان و بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل حادثه، هویت یکی از متهمان را به نام بهزاد شناسایی کردند. آنها پس از شناسایی مخفیگاه وی، برای دستگیری‌اش اقدام کردند، اما دریافتند متهم پس از قتل وسایل شخصی خود را جمع کرده و به مکان نامعلومی گریخته‌است.

تحقیقات برای دستگیری متهم فراری ادامه داشت تا اینکه چند روز قبل کارآگاهان رد او را در خانه یکی از بستگانش در اطراف تهران به دست آوردند و وی را بازداشت کردند. متهم در ابتدا منکر نقش خود در قتل شد، اما سرانجام صبح دیروز در جریان بازجویی‌ها لب به اعتراف گشود و با ابراز پشیمانی، ارتکاب قتل را پذیرفت. تحقیقات از متهم ادامه دارد.

قصد قتل نداشتم

متهم، جوانی است که مدعی است مقتول را نمی‌شناخته و قصد کشتن او را نداشته‌است. او می‌گوید در جریان درگیری فقط قصد داشته با چاقو او را بترساند، اما ماجرا به شکلی پیش رفته که ناخواسته مرتکب قتل شده‌است.

خودت را معرفی کن؟

بهزاد هستم، ۲۷ ساله.

به چه اتهامی بازداشت شدی؟

به اتهام قتل عمد یک پسر جوان.

مقتول را می‌شناختی؟

نه، اصلاً او را نمی‌شناختم. حتی یک‌بار هم او را ندیده بودم و اولین‌باری بود که با او روبه‌رو می‌شدم.

چه شد که او را به قتل رساندی؟

یک لحظه عصبانیت باعث شد دست به چاقو ببرم و این حادثه خونین رقم بخورد. باور کنید اصلاً قصد کشتن او را نداشتم. وقتی با هم درگیر شدیم، فقط می‌خواستم با چاقو بترسانمش، اما چاقو به بدنش برخورد کرد و اتفاقی افتاد که هیچ‌وقت تصورش را نمی‌کردم.

چرا می‌خواستی او را بترسانی؟

قبل از این حادثه، با مردی در خیابان چشم در چشم شدیم و همین موضوع باعث مشاجره بین ما شد. او با پسرش تماس گرفت و پسرش هم برای حمایت از پدرش به محل آمد و وارد درگیری شد.

یعنی فقط به خاطر یک نگاه، مرتکب قتل شدی؟

بله، همه ماجرا از یک موضوع پیش‌پاافتاده و یک نگاه شروع شد، موضوعی که ممکن است هر کسی برداشت متفاوتی از آن داشته باشد. حالا که به اتفاقی که افتاده فکر می‌کنم، می‌بینم به خاطر هیچ، زندگی خودم و یک جوان دیگر را نابود کردم.

چاقو را از کجا آورده بودی؟

مدتی قبل یکی از دوستانم این چاقو را به یادگاری به من داده بود. چون برایم یادگاری بود، همیشه آن را همراهم داشتم. همین چاقو باعث شد حالا به عنوان قاتل اینجا باشم. کاش هیچ‌وقت آن را همراهم نمی‌بردم.

بعد از درگیری چه کردی؟

وقتی متوجه شدم چه اتفاقی افتاده، ترسیدم و از محل فرار کردم. بعد هم به خانه یکی از بستگانم رفتم و آنجا مخفی شدم تا اینکه مأموران پیدایم کردند و دستگیر شدم.

می‌دانستی پسر جوان فوت کرده‌است؟

بله، از طریق دوستانم متوجه شدم که او جانش را از دست داده است. وقتی این خبر را شنیدم، ترسم بیشتر شد و تصمیم گرفتم فرار کنم.

سابقه کیفری داری؟

بله، یک سابقه درگیری دارم. آن زمان هم به خاطر حمایت از دوستم وارد دعوا و در نهایت بازداشت شدم.

حرف آخر؟

خیلی پشیمانم. کاش آن روز چاقو را با خودم نمی‌بردم و اصلاً وارد آن درگیری نمی‌شدم. هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم یک لحظه عصبانیت چنین سرنوشت تلخی برایم رقم بزند.

۱۰ هزار و ۳۵۷ مرگ شهروند در تصادف‌های شش‌ماهه امسال

جان مردم باید معیار ارزیابی مدیران باشد



حسین فصیحی

وقتی در شش ماه ۱۰ هزار و ۳۵۷ نفر در تصادفات رانندگی جان می‌بازند و بیش از ۲۲۴ هزار نفر مصدوم می‌شوند، دیگر نمی‌توان همه‌چیز را به خطای رانندگان نسبت داد. آمار پزشکی قانونی از تداوم بحران مرگ در جاده‌ها حکایت دارد، بحرانی که در کنار رفتار رانندگان، کیفیت خودروها، ایمنی راه‌ها، ضعف امدادرسانی و مهم‌تر از همه، عملکرد دستگاه‌های تصمیم‌گیر را زیر سؤال می‌برد.

مرگ در جاده‌های ایران یک اتفاق غیرمنتظره نیست. هر روز خبرهای تصادف منتشر می‌شود، خانواده‌ای عزادار می‌شود و تعدادی از شهروندان برای همیشه از چرخه زندگی خارج می‌شوند. با این حال، آنچه نگران‌کننده‌تر از خود حوادث است، عادی شدن آمار قربانیان و تبدیل شدن جان انسان‌ها به اعدادی در گزارش‌های رسمی است. بر اساس آمار سازمان پزشکی قانونی کشور، در شش ماه نخست امسال ۱۰ هزار و ۳۵۷ نفر در حوادث رانندگی جان خود را از دست داده‌اند، ۸ هزار و ۳۲۸ نفر مرد و ۲ هزار و ۲۹ نفر زن. این رقم در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته که ۱۰ هزار و ۴۰۱ نفر بود، تنها ۰/۴ درصد کاهش نشان می‌دهد، کاهشی ناچیز که نمی‌توان آن را نشانه مهار بحران تصادفات دانست. پرسش اساسی اینجاست: در کشوری که افزایش جمعیت به یکی از موضوعات مهم سیاست‌گذاری تبدیل شده، چرا برای حفظ جان جمعیت موجود، اراده و برنامه‌ای متناسب با ابعاد فاجعه دیده نمی‌شود؟

آمارهایی که نباید عادی شوند

۱۰ هزار و ۳۵۷ نفر شهروندانی بودند که می‌توانستند سال‌ها در کنار خانواده خود زندگی کنند، کار کنند، فرزند تربیت کنند و بخشی از سرمایه انسانی کشور باشند. در همین مدت، ۲۲۴ هزار و ۲۲۰ نفر نیز بر اثر حوادث رانندگی مصدوم شده و به مراکز پزشکی قانونی مراجعه کرده‌اند، آماری که در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته ۱۰/۸ درصد افزایش داشته‌است. این افزایش، زنگ خطر دیگری برای نظام ایمنی حمل‌ونقل کشور محسوب می‌شود. مصدومیت‌های ناشی از تصادفات نیز هزینه‌های سنگین جسمی، روانی و اقتصادی بر خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در میان استان‌ها، فارس با ۸۲۳ فوتی، تهران با ۷۷۵ فوتی و خراسان رضوی با ۷۳۷ فوتی بیشترین آمار تلفات را داشته‌اند. در مقابل، ایلام با ۱۱۹، کهگیلویه و بویراحمد با ۱۲۰ و قم با ۱۴۷ فوتی کمترین شمار جان‌باختگان را ثبت کرده‌اند. همچنین ۷ هزار و ۱۳۷ نفر در تصادفات برون‌شهری، ۲ هزار و ۶۳۹ نفر در تصادفات درون‌شهری و ۵۵۱ نفر در حوادث جاده‌های روستایی جان باخته‌اند.

جوانان قربانیان اصلی، سرمایه انسانی در مسیر مرگ

یکی از تلخ‌ترین بخش‌های گزارش پزشکی قانونی، ترکیب سنی جان‌باختگان است. بیشترین شمار قربانیان، با یک‌هزار و ۸۶۸ نفر، در گروه سنی ۱۸ تا ۲۴ سال قرار دارند. این گروه به‌تنهایی ۱۸ درصد از کل تلفات شش‌ماهه را تشکیل می‌دهد. پس از آن، گروه سنی ۳۰ تا ۳۹ سال با یک‌هزار و ۵۵۵ نفر و گروه ۴۰ تا ۴۹ سال با یک‌هزار و ۵۱۴ نفر در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. همچنین ۴۵۵ کودک ۱۰ ساله و کمتر در همین مدت جان خود را در تصادفات از دست داده‌اند. این آمار مرتبط با آینده اجتماعی و اقتصادی کشور است. هنگامی که جوانان در سن تحصیل، اشتغال و تشکیل خانواده قربانی تصادفات می‌شوند، جامعه بخشی از توان انسانی خود را از دست می‌دهد. در چنین شرایطی، تأکید بر افزایش جمعیت بدون توجه جدی به حفظ جان شهروندان، با یک تناقض مهم روبه‌روست. سیاست جمعیتی تنها با تشویق به فرزندآوری محقق نمی‌شود، تأمین امنیت جانی و فراهم کردن شرایط زندگی ایمن نیز بخشی از مسئولیت حاکمیت در قبال جمعیت است.

دور باطل

خودرو و جاده، مسئولیت‌هایی فراتر از راننده سال‌هاست در تحلیل بسیاری از تصادفات، نخستین انگشت اتهام به سوی راننده نشانه می‌رود. بی‌احتیاطی، سرعت غیرمجاز، سبقت خطرناک و خستگی راننده از عوامل مهم وقوع حوادث هستند، اما آیا تمام مسئولیت باید در همین نقطه متوقف شود؟

دکتر محمدرضا رضایی، استاد راه و شهرسازی دانشگاه یزد، در تحلیل وضعیت ایمنی راه‌های کشور معتقد است نمی‌توان تصادفات را صرفاً به خطای انسانی تقلیل داد. به گفته او، انسان، خودرو، راه، سرعت، فناوری، پلیس، قانون و نظام سلامت مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته هستند که در وقوع و پیامد تصادفات نقش دارند. این استاد دانشگاه بر تفاوت میان علت وقوع تصادف و علت مرگبار شدن آن تأکید می‌کند. ممکن است راننده با سرعت بالا کنترل خودرو را از دست بدهد، اما باید پرسید چرا خروج خودرو از مسیر به مرگ سرنشینان منجر شده‌است؟ آیا حفاظ مناسب وجود داشته؟ آیا شانه راه ایمن بوده؟ آیا ساختار خودرو توان محافظت از سرنشینان را داشته‌است؟

آمار پزشکی قانونی نیز نشان می‌دهد ۴۹ درصد جان‌باختگان تصادفات در نیمه نخست سال از خودروی سواری استفاده می‌کرده‌اند. ۲۹/۹ درصد موتورسوار و ۱۶/۱ درصد نیز عابر پیاده بوده‌اند.

بنابراین، ایمنی خودرو و حفاظت از کاربران آسیب‌پذیر ترافیک باید در مرکز برنامه‌های پیشگیری قرار گیرد. نمی‌توان از راننده انتظار رعایت کامل مقررات داشت، اما درباره کیفیت خودروهایی که در جاده‌ها تردد می‌کنند و شرایط راه‌هایی که در اختیار او قرار می‌گیرد، سکوت کرد.

۳۰ دستگاه مسئول، اما پاسخ‌گوی نهایی کیست؟

در حوزه ایمنی حمل‌ونقل، حدود ۳۰ دستگاه و نهاد مسئولیت دارند. پلیس، وزارت راه، سازمان راهداری، شهرداری‌ها، خودروسازان، اورژانس و هلال‌احمر هر کدام بخشی از این زنجیره را بر عهده دارند. اما تعدد دستگاه‌ها نباید به محلی برای پراکنده شدن مسئولیت تبدیل شود. رضایی معتقد است مشکل اصلی کشور کمبود قانون نیست، بلکه پراکندگی مسئولیت‌ها و نبود پاسخ‌گویی واحد است. هر دستگاه ممکن است گزارش عملکرد خود را ارائه کند، اما آنچه اهمیت دارد نتیجه نهایی عملکرد مجموعه دستگاه‌هاست. اگر تعداد فوتی‌ها کاهش پیدا نمی‌کند، اگر نقاط حادثه‌خیز همچنان قربانی می‌گیرند و اگر زمان امدادرسانی در برخی مسیرها طولانی است، باید مشخص شود کدام دستگاه در کدام بخش مسئول بوده و چرا اقدامات انجام‌شده به نتیجه مطلوب نرسیده‌است. پیشنهاد این استاد دانشگاه، ایجاد داشبورد ملی ایمنی راه است، سامانه‌ای شفاف که اطلاعات مربوط به تعداد فوتی‌ها و مصدومان، سرعت خودروها، وضعیت ایمنی راه‌ها و زمان امدادرسانی را در اختیار مدیران و مردم قرار دهد. چنین سازوکاری می‌تواند امکان ارزیابی عملکرد دستگاه‌ها را فراهم کند و اجازه ندهد مسئولیت مرگ شهروندان در میان گزارش‌های متعدد اداری گم شود.

کاهش تصادفات با شعار محقق نمی‌شود

یکی دیگر از حلقه‌های مهم پیشگیری، امدادرسانی پس از وقوع حادثه است. زنجیره نجات از لحظه کشف تصادف و تماس با اورژانس آغاز می‌شود و تا رسیدن نیروهای امدادی، دسترسی به مصدوم و انتقال او به مراکز درمانی ادامه دارد. بر اساس آیین‌نامه مدیریت حمل‌ونقل و سوانح رانندگی، هدف‌گذاری شده است که اورژانس در ۸۰ درصد مأموریت‌های شهری کمتر از ۸ دقیقه و در جاده‌ها کمتر از ۱۵ دقیقه به مصدومان برسد. البته این ارقام اهداف مقرراتی هستند و نباید آنها را معادل عملکرد واقعی در تمام مناطق کشور دانست. در کنار این موضوع، راه‌های بخشنده، مدیریت سرعت، روشنایی ورودی شهرها، ساماندهی دسترسی‌های حاشیه جاده و ایمن‌سازی مسیر عابران پیاده و موتورسواران نیز باید در دستور کار قرار گیرد.

جان مردم باید معیار ارزیابی مدیران باشد

در شهریور امسال یک‌هزار و ۸۵۶ نفر در تصادفات رانندگی جان باختند که در مقایسه با شهریور سال گذشته ۱۰ درصد کاهش داشته‌است. این کاهش می‌تواند نشانه‌ای امیدوارکننده باشد، اما نباید یک ماه با آمار بهتر، واقعیت تلخ تلفات شش‌ماهه را از نظر دور کند. کشور برای کاهش تلفات رانندگی به برنامه‌ای مستمر، هماهنگی دستگاه‌ها، نظارت بر کیفیت خودروها، اصلاح راه‌های پرخطر و پاسخگویی مدیران نیاز دارد. نمی‌توان از مردم خواست قوانین را رعایت کنند، اما در برابر ضعف زیرساخت‌ها، خودروهای ناایمن و تأخیر در اصلاح نقاط حادثه‌خیز بی‌تفاوت ماند. مسئولان از افزایش جمعیت سخن می‌گویند، اما حفظ جمعیت موجود نیز به همان اندازه اهمیت دارد. اگر قرار است برای آینده کشور برنامه‌ریزی شود، نخست باید برای زنده ماندن شهروندانی که امروز در این سرزمین زندگی می‌کنند، تصمیم‌های مؤثر گرفت.

اقدام به خودکشی پس از قتل همسر

غلامرضا مسکنی

مرد ۵۰ ساله در جریان درگیری خانوادگی در افسریه، همسر ۴۵ ساله‌اش را با چهار ضربه چاقو به قتل رساند و دقایقی بعد با بریدن رگ دستش اقدام به خودکشی کرد. او در حالی که بر اثر خونریزی شدید در آستانه مرگ قرار داشت، به بیمارستان منتقل شد. تحقیقات پلیسی درباره این قتل خانوادگی در جریان است.

ساعت ۱۰ صبح امروز، صدای مشاجره و درگیری زن و مردی از طبقه چهارم یک ساختمان مسکونی در محله افسریه به گوش همسایه‌ها رسید. شدت درگیری لحظه‌به‌لحظه بیشتر می‌شد و فریادهای زن و مرد فضای ساختمان را پر کرده بود. همسایه‌ها که به شنیدن مشاجره‌های این زوج عادت داشتند، ابتدا تصور کردند این‌بار هم اختلاف آنها مانند دفعات قبل با گذشت مدتی پایان می‌یابد، اما ناگهان فریاد دلخراش زن، سکوت ساختمان را شکست.

ساکنان ساختمان سراسیمه از خانه‌هایشان بیرون آمدند، اما این بار دیگر صدای درگیری شنیده نمی‌شد. در آپارتمان طبقه چهارم نیمه‌باز بود و صدای ناله‌های ضعیفی از داخل آن به گوش می‌رسید. همسایه‌ها با نگرانی وارد خانه شدند و با صحنه‌ای هولناک روبه‌رو شدند. وسایل خانه به هم ریخته بود و مرد ۵۰ ساله خانواده در حالی که غرق خون بود، در گوشه‌ای از پذیرایی افتاده‌بود. از همسرش خبری نبود تا اینکه همسایه‌ها با جست‌وجو در اتاق خواب، پیکر خونین زن میانسال را روی تخت پیدا کردند.

همسایه‌ها بلافاصله با اورژانس و پلیس تماس گرفتند. دقایقی بعد مأموران کلانتری افسریه در محل حاضر شدند و مرد مجروح را که بر اثر بریدن رگ دستش خون زیادی از دست داده بود و در وضعیت وخیمی قرار داشت، برای درمان به بیمارستان منتقل کردند. بررسی‌های اولیه نیز نشان داد زن ۴۵ ساله به قتل رسیده است.

قتل با ۴ ضربه چاقو

با اعلام این حادثه به بازپرس کشیک قتل، قاضی سالار صنعتگر، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران، همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل حاضر شد و تحقیقات جنایی را آغاز کرد. تیم جنایی در بررسی صحنه قتل با جسد زن ۴۵ ساله‌ای به نام مریم روبه‌رو شد. معاینات اولیه نشان می‌داد او با چهار ضربه چاقو به قتل رسیده است. از سوی دیگر، شواهد به‌دست‌آمده حکایت از آن داشت که شوهر ۵۰ساله مقتول عامل این قتل است که پس از قتل همسرش اقدام به خودزنی کرده و برای نجات جانش به بیمارستان انتقال یافته‌است.



یکی از همسایه‌ها که موضوع را به پلیس اطلاع داده‌بود، گفت: «این زوج سال‌هاست همراه دو فرزند جوانشان در طبقه چهارم ساختمان زندگی می‌کنند. مدتی بود صدای مشاجره و درگیری آنها را می‌شنیدیم و متوجه شده بودیم اختلاف خانوادگی دارند. به نظر می‌رسید اختلافشان روزبه‌روز بیشتر می‌شود، چون تقریباً هر روز صدای دعوا و مشاجره آنها به گوش می‌رسید.»

وی ادامه داد: «صبح امروز هم مثل همیشه صدای درگیری آنها را شنیدیم. فریادهایشان هر لحظه بلندتر می‌شد، اما تصور نمی‌کردیم این مشاجره به چنین حادثه هولناکی ختم شود. ناگهان صدای فریاد دلخراش زن همسایه را شنیدیم و همه از خانه‌هایمان بیرون آمدیم. وقتی وارد آپارتمان شدیم، مرد همسایه را غرق خون روی زمین دیدیم. اورگ دستش را زده‌بود و به دلیل خونریزی شدید توان حرف زدن نداشت. بلافاصله با اورژانس و پلیس تماس گرفتیم. وقتی سراغ همسرش را گرفتیم و پاسخی نشنیدیم، به اتاق خواب رفتیم و مریم را خونین روی تخت پیدا کردیم.»

درخواست طلاق به اختلاف‌ها دامن زد

هم‌زمان با انتقال جسد مقتول به پزشکی قانونی، بررسی‌های کارآگاهان درباره زندگی خصوصی این زوج نشان داد آنها از مدت‌ها قبل با یکدیگر اختلاف داشتند و مشاجره‌هایشان به‌تدریج شدت گرفته‌بود. این اختلاف‌ها تا جایی پیش رفته‌بود که زن میانسال برای پایان دادن به زندگی مشترکشان در دادگاه درخواست طلاق داده بود. تحقیقات اولیه همچنین نشان می‌دهد صبح حادثه، پس از رفتن دو فرزند خانواده، مشاجره زن و شوهر از سر گرفته شده و در نهایت به حادثه خونین انجامیده است. در حال حاضر، تحقیقات قضایی و پلیسی برای روشن شدن جزئیات این حادثه ادامه دارد و تیم پزشکی نیز برای نجات جان مرد ۵۰ ساله تلاش می‌کند. کارآگاهان در انتظار بهبود وضعیت متهم هستند تا با بازجویی از او، انگیزه و جزئیات قتل همسرش را مشخص کنند.

یادداشت

مهم‌ترین مسیر خشکاندن رانت



سرهنگ علی صباحی‌فر
معاون اجتماعی پلیس امنیت اقتصادی فراجا

هر اقتصادی برای رشد به کسانی نیاز دارد که تولید و نوآوری کنند و ریسک بپذیرند، اما در کنار آن‌ها گروهی هستند که سودشان از تلاش و خلاقیت نمی‌آید، بلکه از نزدیکی به قدرت، اطلاعات محرمانه یا امتیازهای انحصاری به دست می‌آید. این گروه که به آن‌ها رانت‌خوار می‌گوییم، مثل شارلاتان‌هایی عمل می‌کنند که ثروت را جابه‌جا می‌کنند و ثروتی نمی‌آفرینند.

در علم اقتصاد، رانت درآمدی است که بدون تلاش به دست می‌آید. رانت‌خواری یعنی تلاش برای کسب چنین درآمدی از راه امتیاز ویژه، نه از راه تولید یا رقابت. این امتیاز می‌تواند شکل‌های گوناگونی از قبیل دسترسی به ارز ارزان، مجوز واردات انحصاری، وام ترجیحی، اطلاعات پیش از دیگران، یا معافیت‌های خاص داشته باشد.

رانت در جایی شکل می‌گیرد که قیمت‌ها چندگانه، تصمیم‌ها غیرشفاف و دسترسی به منابع محدود و گزینشی باشد. هر جا میان قیمت رسمی و بازار فاصله بیفتد، کسی که به قیمت رسمی دسترسی دارد، می‌تواند بدون تلاش و زحمت سود ببرد. نظارت ضعیف و نبود پاسخگویی هم این فرصت را تقویت می‌کند. اغلب بحث رانت به بازار ارز محدود می‌شود، اما رانت در بخش‌های مختلف اقتصاد، از خودرو و صنایع تولیدی تا نظام بانکی و بازار پول، نقش مخرب داشته است. هر جا قیمت دستوری، تخصیص گزینشی یا انحصار وجود دارد، خطر رانت هم هست.

اینکه رانت‌خواران چه ضرباتی به اقتصاد می‌زنند، شامل موارد زیر است:

۱. تضعیف تولید و رقابت. وقتی سود از نزدیکی به قدرت بیاید، سرمایه به جای کارخانه و نوآوری، سراغ کسب امتیاز می‌رود. تولیدکننده‌ای که بی‌رانت کار می‌کند، با رقیبی روبه‌رو می‌شود که منابع ارزان‌تر در اختیار دارد و کسب و کار او را ناعادلانه حذف می‌کند.

۲. انحراف سرمایه و استعداد. جوان تحصیل‌کرده وقتی ببیند ثروت از رابطه می‌آید نه از دانش، یا مهاجرت می‌کند یا به رابطه‌سازی روی می‌آورد و این گونه است که اقتصاد خلاق‌ترین نیروهایش را از دست می‌دهد.

۳. گسترش فساد. رانت و فساد دو روی یک سکه‌اند. امتیاز ویژه معمولاً با رشوه، تبانی یا نفوذ به دست می‌آید و نهادهای نظارتی را فرسوده می‌کند.

۴. تورم و گرانی. هزینه رانت در نهایت به قیمت‌ها منتقل می‌شود. کالایی که قرار بود با ارز ارزان وارد شود تا ارزان‌تر به دست مردم برسد، اغلب با قیمت بازار عرضه می‌شود و تفاوت قیمت به جیب واسطه می‌رود.

۵. فرسایش اعتماد اجتماعی. شاید سنگین‌ترین آسیب همین باشد، زیرا وقتی مردم می‌بینند افراد قانونمند و قانونمدار عقب می‌مانند و رانت‌خوار بالا می‌رود، به عدالت و عملکرد نهادهای رسمی بی‌اعتماد می‌شوند. این بی‌اعتمادی همکاری اجتماعی و مشارکت اقتصادی را تضعیف می‌کند.

چگونه با رانت‌خواری مقابله کنیم؟

حذف فاصله میان نرخ رسمی و بازار، مهم‌ترین راه خشکاندن رانت است. این موضوع از سوی دولتمردان و نمایندگان با گرایش‌های مختلف تأکید شده است. برخی کارشناسان تک‌نرخی کردن ارز را مهم‌ترین راهکار کاهش رانت می‌دانند.

از سوی دیگر، انتشار عمومی اطلاعات در خصوص تخصیص منابع، فهرست دریافت‌کنندگان ارز و وام، و قراردادهای دولتی، رانت را در معرض دید می‌گذارند. هر چه موانع ورود به بازار کمتر باشد، امتیاز انحصاری کمتر می‌شود. همچنین نهادهای نظارتی باید مستقل باشند و برخورد با تخلف بدون استثنا و بدون توجه به نفوذ افراد انجام شود.

در جمع‌بندی این مطلب باید گفت که رانت‌خواری اقتصاد را از مسیر تولید به بیراهه می‌برد، منابع را هدر می‌دهد و اعتماد عمومی را از بین می‌برد. مقابله با آن با شعار ممکن نیست؛ باید ریشه‌ها را برید: قیمت‌های چندگانه، تصمیم‌های غیرشفاف و تخصیص‌های گزینشی را حذف کرد. البته باید دقت کرد که حذف یک سیاست به‌تنهایی کافی نیست. برخی تحلیلگران معتقدند حتی با حذف ارز ترجیحی هم رانت به‌طور کامل از بین نمی‌رود. پس شفافیت، رقابت و نظارت مستقل باید همراه اصلاح قیمت‌ها پیش برود. اقتصادی که در آن سود از تلاش به دست بیاید تا رابطه، اقتصاد سالم‌تر و عادلانه‌تری خواهد بود.

یادداشت **محمدرضا هداوند سوری**

روزهای بارانی ایمن برانیم

این روزها و همزمان با شدت گرفتن بارش باران، توجه به رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از جمله اینکه همزمان با بارش باران میزان ترافیک افزایش پیدا می‌کند و توجه به پیوست‌های ترافیکی باید مورد توجه قرار گیرد. در چنین شرایطی عواملی مانند سرعت بالا، اصطکاک اندک سطح جاده و ترمزهای عمل‌نکرده باعث می‌شوند تا امکان وقوع تصادف در جاده‌ها افزایش یابد و به دنبال آن خسارت‌های مالی و جانی هم زیادتر شود. با وجود آنکه رانندگان وسایل نقلیه ملزم به رعایت قوانین رانندگی در تمام طول سال هستند، اما در فصل‌های سرد رعایت این قوانین از اهمیت دوچندانی برخوردار می‌شود. سالم بودن برف‌پاک‌کن، داشتن چراغ‌های مه‌شکن، زنجیر چرخ، بخارگیر شیشه و آینه و بخاری سالم از جمله ملزوماتی است که برای یک رانندگی ایمن مورد نیاز است.

بررسی کارشناسان پلیس راهور فراجا نشان می‌دهد برای یک رانندگی ایمن در شرایط بارندگی، خصوصاً مناطق کوهستانی و برف‌گیر، استفاده از لاستیک‌های مناسب با آج کافی اولین و مهم‌ترین اقدام برای رانندگی ایمن در شرایط لغزنده است، چراکه این اقدام باعث چسبندگی بهتر خودرو روی جاده می‌شود و احتمال تصادف را کاهش می‌دهد.

همچنین چراغ‌های جلو، عقب و مه‌شکن باید سالم و روشن باشند تا راننده دید مناسبی نسبت به مقابل خود و جاده داشته باشد و توسط سایر خودروها دیده شود. همچنین بررسی تیغه‌های برف‌پاک‌کن و تعویض آنها در صورت نیاز از نکات ضروری است.

علاوه بر آن، سلامت ترمزها، رعایت فاصله ایمن با خودروی جلویی و داشتن سرعت مناسب برای کنترل خودروها در تمامی شرایط لازم است. در کنار این امکانات، وجود ضدیخ رادیاتور و مایع شیشه‌شوی خودرو در شرایط بارانی و برفی نقش مهمی در جلوگیری از یخ‌زدگی موتور خودرو و تمیزی شیشه خودروها از هرگونه ناپاکی دارد. همچنین یکی از نکاتی که باید در تمامی زمان رانندگی مورد نظر قرار بگیرد، آرامش و صبوری است، که این مهم در طول فصل زمستان و بارش‌ها از اهمیت دوچندانی برخوردار می‌شود، چراکه به دلیل ایجاد ترافیک و همچنین بسته شدن مسیر عبور، این ویژگی نقش مهمی در سلامت عبور و مرور دارد. لذا جای دارد قبل از وقوع حوادث ناگوار یا جلوگیری پلیس از حرکت خودروهای دارای نقص فنی، رانندگان نسبت به رفع این نواقص اقدام کنند، تا جلوی هرگونه حوادث ناگواری که موجب آسیب رسیدن به خود یا دیگران می‌شود، گرفته شود. به عبارتی دیگر، علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد.